



## فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند، الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد.

از سهل بن سعد ساعدي رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ»؛ «فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند، الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد». مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را دریافت خواهد کرد. صبح که شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هریک از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَيُّنَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ؟»؛ «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند. فرمود: «فَأَرْسِلُوا إِلَيْهِ»؛ «به دنبال او بفرستید». پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد و فرمود: «أَنْفُذْ عَلَيَّ رِسَالِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ مِنْ حَقِّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِ، قَوْلًا لِلَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»؛ «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها برسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فراخوان و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن. به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای تو از شتران سرخ مو بهتر است».

[صحيح است] [متفق عليه]

در یکی از روزهای غزوه ی خیبر، رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه را به پیروزی مسلمانان بر یهودیان در فردای آن روز و به دست مردی از آنها بشارت می دهد که از فضیلت بزرگی برخوردار است و الله و رسولش را دوست دارد؛ از این رو صحابه انتظار می کشیدند او چه کسی است؛ هریک از آنها دوست داشت فرد مذکور باشد؛ چون همه ی آنها مشتاق خیر و خوبی بودند؛ وقتی موعد مذکور فرا رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم جویای علی رضی الله عنه شد که البته به دلیل بیماری از ناحیه چشم حضور نداشت؛ سپس حاضر شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش بر چشم او مالید که در اثر آن کاملاً خوب شد و دردی احساس نمی کرد؛ و به این ترتیب فرماندهی لشکر مسلمانان را به او سپرد؛ و ایشان را امر نمود که در حرکت به سوی قلعه ی دشمن عجله نکند و از آنها بخواهد که وارد اسلام شوند، اگر پذیرفتند، به آنها از فریضی خبر دهد که بر هر مسلمانی واجب است؛ سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فضل دعوت به سوی الله را به علی گوشزد می کند و بیان می کند که اگر یک نفر به دست دعوتگر هدایت شود، این برای او بهتر از بهترین اموال دنیوی می باشد چه برسد به اینکه افرادی بیش از این به دست او هدایت شوند.



النجاة الخيرية  
ALNAJAT CHARITY

